

مهندس علی فتحعلی زاده

کارشناس رسمی دادگستری

واژه قانون و ورود آن به حقوق ایران

در این مقاله ابتدا به معنی و مفهوم واژه قانون و مترادف‌های آن در منابع مختلف پرداخته و سپس درباره چگونگی ورود این واژه در حقوق ایران گفتگو خواهد شد. نگارنده بدون هیچ ادعایی، از خوانندگان متمنی است در اصلاح مندرجات این مقاله او را یاری فرمایند.

○ واژه قانون و کاربردهای آن

- در منابع مختلف به زبانهای عربی، ترکی و فارسی که نشر و بسط توسعه فرهنگ در سرزمینهای اسلامی وسیله آنها انجام گرفته است و در دسترس نگارنده بودند درباره ریشه و توضیح کلمه قانون چنین نوشته شده است:
- ۱- فرهنگ عربی تاج العروس کلمه قانون رومی (یونانی) یا فارسی است.
 - ۲- به نوشته لغت نامه عربی محیط المحيط، قانون کلمه‌ای است سریانی.
 - ۳- در کتاب فرهنگ فارسی آندراج در زیر کلمه قانون نوشته شده: این لفظ سریانی یا یونانی است و کتاب «برهان قاطع» نوشته که قانون معرب کانون است.
 - ۴- محمد قریب در کتاب لغت فارسی خود که واژه نوین نام دارد، قانون را معرب واژه یونانی دانسته است.
 - ۵- فرهنگ معین، قانون و کانون را معرب واژه یونانی کانون قید کرده و به آن ریشه سریانی واکدی قائل شده است.
 - ۶- فرهنگ فارسی عمید، اصل کلمه قانون را عربی ذکر کرده است.

۷- فرهنگ ترکی از انتشارات مؤسسه عالی زبان و تاریخ ترکیه، قانون را کلمه‌ای عربی دانسته است.

۸- فرهنگ فارسی آندراج زیر واژه قانون چنین نوشته است: به ضم ثالث این لفظ سریانی یا یونانی به معنی اصل هر چیز.

۹- لغت‌نامه دهخدا چنین آورده: گویند این لغت معرب کانون است و عربی نیست. لیکن در عرب مستعمل است همچنین در زیر نویس صفحه‌ای که واژه قانون در آن مندرج است نوشته شده. «قانون» معرب از یونانی kanon. ضمناً لغت‌نامه مذکور، واژه کانون را سامی دانسته است.

۱۰- دایرةالمعارف اسلام: اصل واژه قانون یونانی است.

۱۱- ترمینولوژی حقوق: اصل قانون (Loi) از canon است که عبارت می‌باشد از مقررات موضوعه توسط مقامات کلیسا، کلمه قانون معرب کلمه لاتین مذکور است. بنا به موارد فوق قانون معرب کلمه یونانی canon است که از راه زبان سریانی وارد زبان عربی گردیده است و در اصل به معنای «خط کش» به کار رفته و بعد معنی قاعده به خود گرفته است و امروز در زبانهای اروپایی به مقررات کلیسای مسیحیت و کنیسه یهودیت اطلاق می‌شود. (Canon Law, Droit Canonique).

کانون، نام ماهی است متقابل با ماه مرحشوان عبرانیان. از کانون در کتیبه‌های شهر باستانی پالمیر واقع در سوریه کنونی (به آن تدمیر به معنی شهر نخل نیز می‌گفتند و اکنون خرابه‌هایی از آن باقی است) ذکری به میان آمده است. بعدها کانون به اشکال قدیم و قانون حرای در میان ماههای سریانی (سوریه) دیده می‌شود. در عربی به این ماهها کانون‌الاول و کانون‌الآخر گفته می‌شود. ابوریحان بیرونی این ماهها را در کتاب آثارالباقیه خود به صورت‌های کانون قدیم لا و کانون حرای ل جزو ماههای سریانی* ذکر کرده است.

در عربی کلمه کانون به معنی اجاق (محل سوزاندن آتش) است و به نظر می‌رسد اجاق، نام ماه اول سال ترکیه ترجمه کلمه کانون باشد. همچنین ناگفته نماند واژه اجاق در

لهجه‌های مختلف زبان ترکی به معنی و مفهوم محل افروختن آتش، کوه، کانون (= باشگاه)، معدن، جایی که بیشترین مصرف یا سوخت چیزی انجام می‌پذیرد. سرچشمه، منبع خاندان و کسب و کاری در مان بیماری‌ها را بدون استفاده از دارو داراست (= پیر)، نیز می‌باشد. * ضمناً قابل ذکر است که به ترکی قانون را یاسا می‌نامند. در ترکی علمی، از واژه قانون، قاعده لایتنر ارتباطات اجباری مابین اتفاقات و پدیده‌های طبیعی مانند جاذبه، مستفاد می‌گردد. کتاب منتهی الارب قانون را اصل هر چیز و مقیاس آن، معنی کرده و می‌افزاید قانون عبارت است از محرکه راه و روش، اقتنان برابر است با راست ایستادن در علم فیزیک قانون عبارت است از نظریه فیزیکی که از طریق آزمایشات عملی و علمی به اثبات رسیده باشد. نظیر قوانین نیوتن، قانون فارادی و غیره. به طور کلی از لحاظ علمی، قانون عبارت است از بیان و ترجمان مناسبات ثابت یا مشابه یا متعاقب پدیده‌های طبیعی.***

شمیدان معروف زکریای رازی که الحق نابغه‌ای بوده است و اقوام در کشورهای مختلف وی را از تبار خود می‌دانند و اکتشافات متعدد را به وی نسبت می‌دهند، از کانون که به معنی کوره کوچک و کانون القلائین، کوره‌ای بوده شبیه کوره تابش‌دان که روی آن کباب درست می‌کردند نام برده است.*** آلت موسیقی‌ای که شبیه سنتور می‌باشد و بعضی‌ها اختراع آن را به افلاطون و برخی به فارابی منتسب دانسته‌اند و در موسیقی امروز بیشتر کشورهای شرقی بین عرب‌ها، ترک‌ها و ایرانیان مرسوم است، قانون نام دارد. این ساز پس از اشتهار در کشورهای عرب حدوداً در قرن دوازده میلادی از طریق اندلس به اروپا راه یافت و تا قرن ۱۵، اسپانیایی‌ها آن را کانو و آلمانی‌ها کانون نامیدند و گونه کوچکتری از آن در فرانسه (Micanon) نام گرفت.***

در سریانی واژه قانون به شکل قنونا که در زبان ارمنی نیز رایج است، بوده و معنی قاعده و قانون را دارد.*** canon در زبانهای انگلوساکسن، قاعده یا عصا، در لاتین

* - ۱۷ ص ۲۳۲.

** - ۳.

*** - ۱۹.

**** - ۳ ص ۲۲۸ ج ۲.

***** - ۱۴.

مقیاس اندازه‌گیری قاعده و نمونه، در یونانی به همان معنی و قریب به معنای لفظ دیگر یونانی Kanna و Cane می‌باشد. در انگلیسی به معنی نی و چوب‌دستی است. از تلفیق این معانی، میزانی برای سنجش حق و ناحق و سزا و جزا به دست می‌آید.*

کلمه انگلیسی Canon را که مفهوم مقررات (شریعت) دین یهود و نصاری را دارد نباید، با واژه فرانسوی Canon به معنی توپ که در انگلیسی با حرف n مکرر و به صورت Cannon نوشته می‌شود اشتباه کرد.**

کاربرد قانون به معنی و مفهوم Law انگلیسی و Loi فرانسه در حقوق ایران، گذشته دوری ندارد و نگارنده ورود آن را به زبان حقوق فارسی بنابر آنچه در پی خواهد آمد حوالی سال‌های ۱۳۶۹ هجری قمری می‌داند.

معادل و مترادف این واژه در زبان فارسی ناموس، که اصل آن از نموسای سریانی است. کار برداشت که امروزه در زبان محاوره به معنی غیر از قانون به کار برده می‌شود.***

در کتاب جامع‌الحکایات آمده است: دگر از ناموس‌های «مانی» آن بود که گفت ذخیره حرام است و نشاید که زیادت از قوت یک روز نهادن**** و یا در سیاست‌نامه خواجه نظام‌الملک گفته شده است از ناموس‌های مملکت، یکی نگاه داشتن لقب و مرتبت و اندازه هرکس است.

به طوری که در کتاب عیون‌الانبیا درج شده است «... اکنون نسخه ناموس طیبی بقراط را متذکر می‌گردیم...» سوگندنامه بقراط ناموس طیبی نام داشته است. همچنین در تاریخ‌نامه هرات جوامع‌الحکایات عوفی، آثار الباقیه ابوریحان بیرونی... ناموس به معنی اخص قانون به کار برده شده است.

نام پیشدادیان اولین سلسله اسطوره‌ای امپراطوری ایران که به لهجه اوستایی پره دانه Paradata ذکر گردیده است و بعداً در پهلوی پیشداد Peddad شده به معنی قانون‌نگزار

* - ۲۱ ص ۲۲۶.

** - ۲۱، ص ۲۲۶.

*** - ۱۶.

**** - ۲۱ و ۲۵.

کهن یا نخستین قانونگذار می‌باشد.*

دات که به معنی قانون است غالباً در اوستا استعمال شده و داد و دادگر از این کلمه است و نام کتاب وندیداد که جزوی از اوستاست، به معنی قانون ضد دیو می‌باشد. بنابراین صفت دادگر انوشیروان پادشاه ساسانی به معنی قانونگذار است نه عادل. با این حساب، زنجیر عدل و... که بر این پادشاه می‌بندند حکایت‌هایی است که نژادیون و پانیست‌ها ساخته‌اند زیرا که هزاران مزدکی را با گذاشتن در داخل گچ کشت.

آیین لغتی است فارسی و به معنی قانون، مراسم و عرف می‌باشد و آیین‌نامه کتابی بوده است که ابن‌مقفع در قرن دوم هجری از زبان پهلوی به زبان عربی ترجمه کرد و الفهرست در بیان آن می‌نویسد: کتابی به نام «آیین‌نامه» بود که در عربی الرسوم نیز گاهی ذکر شده است. این کتاب محتملاً مطالبی درباره سازمان اداری، خصوصیات و امتیازات طبقات مختلف و چگونگی آداب و رسوم درباری، سپاهی‌گری، بازی چوگان زمان ساسانیان در برداشت. همچنین در کتاب «التاج فی الاخبار الملوک» منسوب به جاحظ که مشتمل بر اطلاعات بسیار درباره آداب و رسوم ساسانیان است به نام «آیین الفرس» اشاره رفته است. عنوان آیین‌نامه که مسعودی آن را کتاب الرسوم ترجمه کرده است در دوره اسلامی عنوان کتاب‌ها یا رسالاتی که درباره آداب و رسوم، هنر و علوم مختلف به زبان پهلوی و فارسی تألیف می‌شده، به کار رفته است. مانند آیین اکبری که درباره آداب و رسوم دربار اکبر شاه ترک‌تبار معروف هند است. این واژه پس از استقرار مشروطه و تدوین قوانین در موارد مختلف از جمله در «آیین دادرسی مدنی» به کار گرفته شده است.

حال که قانون از نظر لغوی به قاعده نظامات معنی شده، باید دید این چگونه قاعده‌ای است و ماهیت آن چیست؟

قانون، مقررات و قواعدی است که بر پایه تجربیات بشر استوار و تدوین شده است. فرهنگ نویس نامی دکتر سموئل انگلیسی گفته است: قانون آخرین نتیجه‌ای است که از

عقل بشر به اعتبار تجاریش به سود عموم افراد بشر گرفته می‌شود.* یا از لحاظ حقوق، قانون عبارت است از بیان قاعده و دستورالعملی که یک قدرت حاکم یا دولت آن را برقرار می‌کند**.* از نظر ترمینولوژی حقوق امروزی، قانون عبارت از قاعده‌ایست که قوه مقننه وضع و ابلاغ می‌کند و آن مبتنی بر طبیعت عالم تمدن و متناسب با مصلحت مردم است.***

به طور کلی و خلاصه می‌توان گفت قانون به قواعد و نظاماتی اطلاق می‌شود که بر پایه عقل و منطق و تجربه عملی بشر استوار است و ریشه سماوی و ماوراء الطبیعه (متافیزیک) ندارد و منظور از آن جلب منافع و رفع و دفع مفاسد از مردم در این دنیا می‌باشد.

آنچه از نوشته‌های سرزمین‌های اسلامی (در بالا به تعدادی از آنها اشاره شد) در این باب مستفاد می‌گردد این است که آنان نیز مفاهیم فوق را مدنظر داشته‌اند زیرا که، ابوعلی سینا به علت اینکه مندرجات و محتویات کتاب بر مبنای تجربیات عملی استوار بوده است کتاب طبی معروف خود را قانون نامیده است. از بررسی متون فارسی قدیم دیگر نیز صدق مدعای آخر اثبات می‌گردد. رشیدالدین فضل‌الله همدانی در جامع التواریخ نوشته: ... بر وفق فرموده «غازان خان مغول» مجموع مسودات یرلیغ‌ها (= فرمان‌ها) را بعد از تنظیم به اتفاق بر دفتر نوشتند و آن را قانون الامور نام نهادند.***

در بررسی نوشته‌های فارسی بعد از اسلام به نام گذاری‌هایی برمی‌خوریم که از دید موضوع ما، با مسمی است. به عنوان مثال یکی از کتابهایی که ابن مقفع در قرن دوم هجری قمری (هشتم میلادی) از پهلوی به عربی ترجمه کرده است کتابی بود به نام «آیین».

در سلیمانیه کوتوپحانسی (= کتابخانه سلمانیه) استانبول، دو نوشته خطی به زبان فارسی، از یک کتاب زیر عنوان رئیس‌الکتاب مصطفی افندی و به شماره‌های ۶۰۹ و

* - ۲۱ ص ۲۲۶ و ص ۱۷۱ و ۲۲۶.

** - ۳ ص ۲۳۶.

*** - ۲.

**** - ۸ ص ۱۴۷.

۶۱۰ وجود دارد که یکی از آنها ۱۰۹ و دیگری ۱۲۸ برگ دارد*.

نام هر دو کتاب «ختای نامه» است. مؤلف آن شخصی است از اهالی بخارا به نام سید علی اکبر ختایی که چند سالی به عنوان بازرگان در سفر چین بوده است و دیده‌ها و شنیده‌های خود را به زبان فارسی که خیلی پیشتر و بعد از دوره او به همراه لهجه ایغوری ترکی، زبان رسمی و حاکم در طول جاده ابریشم بود**، برشته تحریر درآورده است. تاریخ و زمان دقیق سفر وی روشن نیست. آنچه محتویات کتاب می‌نمایند این سفر در سالهای ۱۴۷۷-۱۵۰۵ میلادی انجام پذیرفته است. این کتاب را در سال ۱۵۸۲ میلادی شخصی به نام حسین افندی به ترکی ترجمه و به سلطان مراد سوم پادشاه عثمانی تقدیم کرده است. در این کتاب واژه قانون به طور مکرر به کار برده شده است. در سال ۱۸۵۳ که نهضت‌های فکری در بلاد عثمانی و مسلمان دیگر آغاز شده بود چاپ سنگی این نوشته با الفبای عربی، در استانبول نشر یافت و باعث به کارگیری اولین بار کلمه قانون به مفهوم امروزی آن (و یا معادل Law انگلیسی) در بین سیاسیون و اصلاح‌طلبان و ورود آن به ادبیات کشور ترکیه آن موقع و به تبع آن ایران گردید. استعمال کلمه قانون در زمان حکومت عثمانی، بیشتر در مورد احکام صادره از طرف حکومت به کار می‌رفت تا آنها را از احکام شرع حنیف که مبتنی بر ادله معروفه خود می‌باشد، جدا کند چه امکان دارد در مسأله‌ای حکم شرع با قانون موضوعه منافات داشته باشد. مثلاً ربا در شرع حرام است ولی در قانون مباح.

قبل از انتشار ترجمه ترکی اثر یاد شده، اصطلاح قانون در معنای بسیار محدودتر، به معنای نظامات مستقر به کار رفته است و مفهوم قانون در مورد واژه شرع یا شریعت و یا قانون قرآنی محفوظ مانده بود.

اصطلاحاتی مانند قانون نامه، خلاف قانون، قوت قانون و... در ادبیات فارسی به مفهوم Law برای اولین بار در این نوشته به میان آمده است. انتشار چاپ سنگی ترکی این کتاب در استانبول، مردان سیاسی نهضت‌های فکری جدید مخالف سلطان و روش اداره کشور و (بخصوص عثمانی‌گرایی) به ویژه به مردان سیاسی دوره تنظیمات،

* - ص ۳۴۱.

** - ص ۱۰۱.

این اصلاح طلبان دو کشور عثمانی و ایران قرن نوزدهم، اجازه داد که این اصطلاحات را از خطایی وام گرفته و آنها را وارد مصطلحات محاورات و ادبیات آن روز گردانند.*

ختایی کلمه قانون نامه را مترادف با واژه لی (Lie) چینیان آورده که به معنی آیین آنان بوده است و مانند حقوق مذهبی مسیحی: «Droit Canon» اساس آسمانی و الهی داشت. اما مسلمانان لی را چیزی به غیر از قواعدی کم و بیش حکیمانه که چینیان از خودشان اختراع کرده بودند نمی دیدند و به آن جنبه الهی قائل نبودند. بنابراین مسلمانان در قرن نوزدهم برای اینکه به فرامین سلاطین اصلاح طلب خود یک خصلت قضائی (معادل شرع) دهند، میان اصطلاح و یا واژه‌ای ترکی (به لهجه کاشغری) ختاینی نین لی - سی (Khitayinin, L, ie - Si) و کلمه Zagon روسی به معنی قانون (که آن روزها بین روشنفکران متداول بود) مردد می مانند تا سرانجام به طور قطع واژه قانون به مفهوم Law امروزی را که توسط نشر چاپ سنگی ترجمه ترکی ختای نامه (سفرنامه سیدعلی اکبر ختایی) رواج یافته بود پذیرفتند.***

بدین ترتیب واژه قانون به همراه واژه‌های دیگر نظیر جرمانه و جریمه به دنبال نشر ترجمه اثر مذکور در سال ۱۳۶۹، ه. ق / ۱۸۵۳ میلادی، وارد واژگان حقوقی عصر تنظیمات در ترکیه عثمانی و به تبع آن در ایران بعد از امیر کبیر شد. در سال ۱۳۰۷ هجری قمری چند روز پس از بازگشت ناصرالدین شاه از سفر اروپا به دستور وی تحت ریاست شاهزاده عباس میرزا ملک آرا (برادر ناتنی کوچک ناصرالدین شاه) که ۲۷ سال در خاک عثمانی اقامت داشت مجمعی به نام مجلس تحریر قانون با وظیفه ترجمه و تحریر قانون به مفهوم امروزی آن، تشکیل گردید.*** ناگفته نماند که در این دوران تأثیرپذیری و الهام اصلاح طلبان دو کشور از قانون مدنی فرانسسه و سویس و دیگر کشورهای غربی پیش از اندازه بود و کتاب ختای نامه، بیشتر از تأثیر قانون خواهی از طرف روشنفکران، در انتخاب واژه مؤثر بوده است.

* - ۱، ص ۱۷۴.

** - ۱، ص ۳۴۱.

*** - ۱۲، ص ۲۷۰ تا ۲۷۵.

○ منابع

- ۱- «جاده ابریشم» علی مظاهری، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ترجمه دکتر نویان.
- ۲- «ترمینولوژی حقوق» جعفری لنگرودی، گنج دانش.
- ۳- «فرهنگ فارسی معین» امیرکبیر.
- ۳- «فرهنگ فارسی معین» امیرکبیر.
- ۴- «ترکستان نامه» بارتولد، ترجمه کریم کشاورز.
- ۵- «تاریخ تمدن» ویل دورانت، انقلاب اسلامی.
- ۶- «تحقیقی در دین یهود» جلال‌الدین آشتیانی.
- ۷- «خطای نامه» به کوشش ایرج افشار، تهران چاپ سوم.
- ۸- «LIST ICIN TARTH III prof. Dr. Ismet Miroglu 1989 Istanbul».
- ۹- «بنیان حکومت فاجار» فرزانه اجلالی نشرنی، ۱۳۷۳.
- ۱۰- «دایره‌المعارف اسلام»، ترجمه ترکی از چاپ لیدن، استانبول ۱۹۵۷.
- ۱۱- «فلسفه قانونگزاری در اسلام» ترجمه اسماعیل گلستانی، ۱۳۵۸ امیرکبیر.
- ۱۲- «ایران و عثمانی در آستانه قرن بیستم».
- ۱۳- «قانون مدنی زرتشتیان در زمان ساسانیان».
- ۱۴- «پژوهش واژه‌های سریانی در زبان فارسی» جلیل اخوان زنجانی تهران ۱۳۶۵.
- ۱۵- «فرهنگ‌های عربی تاج‌العروس، محیط المحيط».
- ۱۶- «فرهنگ‌های فارسی، آندراج، عمید، دهخدا، واژه نوین (محمد قریب)، معین».
- ۱۷- «فرهنگ ترکی به ترکی» انتشارات مؤسسه عالی زمان و تاریخ ترکیه.
- ۱۸- «جامع‌التواریخ رشیدالدین فضل‌الله همدانی» تصحیح محمد روشن، مصطفی موسوی ۱۳۷۳ نشر البرز.
- ۱۹- «کتاب‌الاسرار» محمد زکریای رازی ترجمه حسنعلی شببانی، دانشگاه تهران.
- ۲۰- «سرگذشت قانون» علی پاشا صالح، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۲۱- «فرهنگ صالح» علی پاشا صالح، انتشارات تهران.
- ۲۲- «یادداشت‌های کاتاه» پورداود، دانشگاه تهران ۱۳۵۶.
- ۲۳- «حقوق جزایی اسلامی» ترجمه اکبر غفوری، عباس شیرازی ۱۳۷۳.
- ۲۴- «قاموس» کتاب مقدس.
- ۲۵- «روایت امید اشوهیستان» ترجمه نزهت صفای اصفهانی، انتشارات نشر ۱۳۷۶.
- ۲۶- «ایران و اسلام» ترجمه کریم کشاورز.
- ۲۷- «دانشنامه ایران و اسلام».
- ۲۸- «گفتاری درباره دینکرت» محمد جواد مشکور ۱۳۲۵.
- ۲۹- «آثارالباقیه» ابوریحان بیرونی.
- ۳۰- «فرهنگ اصطلاحات اجتماعی و اقتصادی» ترجمه خلیل ملکی، انتشارات رواق ۱۳۵۸.
- ۳۱- «پشت‌ها» جلد اول، ابراهیم پورداود.